



یکی مثل ماه

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۲۹ | آدی ۱۴۰۱

نوجوان
باز



عطیه ضرابی

آن قدر تاریخ و ابرو ماه و خورشید و فلک دور هم چرخیده اند و روزها را شب کرده اند که حالا رسیده ایم به زمانی که تولد حضرت مسیح (ع) و وفات حضرت فاطمه زهرا (س) نزدیک هم شده اند. این تلاقی تاریخی برای ما خیلی حرف دارد؛ به نظر من خدا عادت دارد حرف هایش را در لفافه بزند و هوشمندی ما را بسنجد. انگار باید ذره بین دست بگیریم و دنبال نشانه ها در لایه لای تاریخ بگردیم. در این صفحه از دوزن می خوانیم؛ دو بانوی بهشتی که تاثیر زیادی داشته اند؛ یکی شان مادر حضرت عیسی (ع) است و دیگری، انگیزه خلقت حضرت فاطمه زهرا (س).

حضرت زهرا (س)

فاطمه (س) بود. دختر محمد (ص)، هنوز هم هست. مادامی که عاشقانش عمود عزا برای او و خاندانش برپا کنند، مادر تمامی شیعیان هست و خواهد بود. تازمانی که راه شان رهرو داشته باشد و حرف شان دهان به دهان و عمل به عمل بچرخد، بهترین بانوی هر دو جهان است و خواهد بود. تا وقتی که پسرش، مهدی (عج) خودش را به تمام جهانیان معرفی کند و صدایش به گوش خواب و بیدار و پیر و جوان برسد راهش پر از رهرو است. قرآن برایش سوره کوثر را کنار گذاشته و دارد در لفافه می گوید که خیر کثیراوست؛ انگیزه خلقت و علت وجود ما هم اوست. اویی که خدا جهان را به واسطه حضور خودش و پدرش و همسرش و فرزندانش خلق کرده و ما زیر سایه سارشان نفس می کشیم. پدرشان که اولین مربی فرهنگی عالم بشریت بود، دختری پرورش داده بود که او را «ام ابیها» می خواند و مهر و محبتش لحظه ای از فاطمه (س) دریغ نمی شد و خشم و خشنودی او را خشم و خشنودی خودش می دانست. او در سال دوم هجرت با امام علی (ع)، حیدر کرار و تنها هم کفوش ازدواج کرد. پیامبر اسلام، پدر حضرت فاطمه زهرا (س) فرموده بودند: اگر علی خلق نشده بود، هیچ فرد لایقی برای دخترم فاطمه وجود نداشت. فاطمه (س) که بود؟ از دوره کودکی و نوجوانی حضرت زهرا گزارش هایی مربوط به همراهی او با پیامبر در مقابل خشونت های مشرکان، حضور او در شعب ابی طالب و هجرت به مدینه همراه امام علی (ع) نقل شده است.

او بعد از هجرت و ازدواج، فعالیت های اجتماعی بسیاری داشت. انجام فعالیت های اجتماعی و همراهی با پیامبر اسلام (ص) در برخی از جنگ ها مثل فتح مکه از جمله کارهای او بعد از هجرت بود. به زندگی این بانو که نگاه می کنیم، هیچ اثری از انفعال و بی تفاوتی نسبت به قضایای جامعه نمی بینیم و نقش پررنگ او را در وقایع می بینیم. پس از این که پیامبر (ص) چشم از جهان فرو بستند، ماجرای سقیفه شروع شد؛ ماجرای که سرآغاز آب شدن شمعی به نام مادر بود. پس از تشکیل شورای سقیفه، فاطمه (س) با این اقدام مخالفت کرد و دست به بیعت نداد. همچنین در جریان مصادره فدک و دفاع از حق همسر، امیرالمومنین علی (ع) خطبه ای خواند که به خطبه فدکیه معروف است. او تنها مدت کمی پس رحلت پدرش، پیامبر اکرم (ص) و در جریان حمله ماموران خلیفه به خانه اش مورد آسیب جدی قرار گرفت و بعد از مدت کمی پر کشید و پیش پدرش رفت. پدر به قولش عمل کرده بود، چون روزی به دخترش گفته بود که او اولین کسی است که از خانواده اش به ایشان ملحق می شود. حضرت زهرا (س) مادر حسنین (ع) و دختران کوچک باید پرواز می کرد. فاطمه،

فاطمه بود و هنوز هم بهترین الگو برای زنان است؛ زنانی که چه در عرصه دختری، همسری و مادری و اجتماعی به دنبال یک خط مشی جدی و عقیفانه هستند؛ زنانی که آزادانه و در پناه خدا، کنشگری فعالند و با تمسک به بانوی دو عالم، طرفدار حقند و برای احقاق این حق، از هیچ چیزی پا پس نمی کشند؛ زنانی که امام زمان خود را می شناسند و راه شان را مشخص کرده اند؛ راهی که باید به خوبی ها ختم شود؛ هرچند که بین مسیر پراز چاله و چاه باشد!



درباره دو بانوی بهشتی که این روزها نام شان را می شنویم

بانوی بهشت

حضرت مریم (س)

مریم بود. دختر عمران. هنوز هم هست و تا زمانی که پسرش عیسی (ع) در کاروان منجی عالم قدم قدم پیش بیاید هم، مادرش خواهد بود. قرآن را که باز می کنیم، در سوره ای به نام این بانوی بهشتی، خدا داستان زندگی اش را برای ما نقل می کند؛ از تولد خودش تا ولادت پسرش حضرت عیسی (ع)، معجزه ای که در آن زمان چالش های عجیبی برای این خانم به وجود آورده بود. تولد حضرت مریم (س) راه ۲ سال قبل از ولادت فرزندش دانسته اند و این یعنی هنگام ولادت پسرش، در ایام جوانی به سر می برده. داستان به دنیا آمدن حضرت مریم (س) هم قصه ای پرفرازونشیب است. مادر او حدود ۳ سال منتظر فرزندی از سوی خدا بود و نذر کرده بود اگر صاحب فرزندی شد، او خدمتکار معبد بیت المقدس شود و به کارهای آنجا بپردازد. چرخ روزگار می چرخد و لطف خدا شامل حال مادر او، حنه می شود و دختری در دامنش قرار می گیرد. حالا نوبت ادا شدن نذر مادر است؛ مادری که پس از ۳ سال انتظار، به وصال فرزندش رسیده و باید او را وقف خدا کند. در آیات ۳۵ تا ۳۷ سوره آل عمران به نذر مادر حضرت مریم (س) و پذیرفته شدن آن از سوی خدا اشاره شده است. پس از تولد مریم، مادرش با توجه به نذری که کرده بود، او را به معبد برد و به کاهنان سپرد. آنان برای سرپرستی او اختلاف نظر پیدا کردند و برای این کار قرعه زدند و قرعه به نام زکریا (ع) افتاد. براساس برخی گزارش ها، زکریا (ع) شوهرخاله مریم بود. زکریا (ع) مقدمات شیرخوارگی و تربیت او را فراهم کرد و وقتی به حدی از رشد رسید، جایگاهی برای او در معبد تعیین نمود و مریم در آن به عبادت می پرداخت. حضرت مریم (س) در عبادت به درجه ای رسید که در بنی اسرائیل ضرب المثل شد! پس از همه اینها به ماجرای به دنیا آمدن عیسی (ع) می رسمیم؛ ماجرای که بسیار شنیدنی است و در منابع مسیحیان، یعنی انجیل و در قرآن هم با تفاوت بسیار کمی آمده است. فرشته ای نزد حضرت مریم (س) می آید و به او بشارت پسری پاک را می دهد. حضرت مریم (س) با تعجب می پرسند که چطور صاحب فرزندی می شوم در حالی که تا حالا دست بشری مرا لمس نکرده است؟ فرشته پاسخ می دهد این فرمانی از طرف خداست و این کار برای او آسان است. مریم (س) عابده ای عفیف بود و حالا باید پسری را درون خودش پرورش می داد. مریم (س) از ترس تهمت های مردم به مکان دور دستی رفت و از همه کناره گیری کرد. او پس از گذراندن مدت بارداری اش و زمان به دنیا آمدن فرزندش، کنار نخل خشکیده ای وضع حمل می کند و بعد آن درخت را تکان می دهد. نخل به صورت معجزه آسایی سبز می شود و به بار می نشیند و حضرت مریم (س) از خرمای تازه ای که پایین می افتد می خورد. حالا وقت برگشتن به سمت شهر و دیار خودش است. او در برخورد با قوم خود مامور به روزه سکوت می شود. او باید به افراد کیش خود چه بگوید؟ این فرزند را از کجا آورده است؟ قضاوت های شان را چه کار کند؟ مریم (س) فرزندی در بغل دارد و به دیار خودش برگشته است و

کلامی حرف نمی زند. مردم متعجب شده اند و هرکس سؤالی دارد. اینجاست که به اذن خدا باز هم معجزه ای رخ می دهد و عیسی (ع) زبان به سخن باز می کند؛ «منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم مرا با برکت قرار داده و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نکرده است؛ و سلام بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم.» و اینجاست که عظمت حضرت مریم (س) درک می شود؛ تنها زنی که نامش در قرآن آمده و خود خدا، تربیت او را بر عهده گرفته است تا در عنوان جوانی، زنی باشد آزاده و قوی، که در آماج بلا و تهمت و قضاوت، جزه به حرف خدایش کاری نمی کند.

